

واکاو و تحلیل تغییرات مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر استان خوزستان

معصومه کی باندیری ناشلیل - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم و مهندسی جنگل، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
نبی اله یار علی - دانشیار گروه علوم جنگل، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
صالح کهیانی* - استادیار گروه علوم جنگل، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
عطاله ابراهیمی - دانشیار گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
حجت اله خدری غریب‌وند - استادیار گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۰ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: تدوین سیاست‌ها در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مستلزم شناخت کافی از وضعیت اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران روستایی و عشایری است. در این میان، از نظر رشد اقتصادی کشور، جامعه عشایری اهمیت ویژه‌ای در بخش تولید دام و فعالیت‌های جانبی مرتبط دارد.

هدف پژوهش: در این تحقیق برخی شاخصه‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله جمعیت، تعداد و نوم دام، سوخت مصرفی، صنایع دستی و اراضی مورد بهره‌برداری عشایر استان خوزستان طی سه دهه گذشته (۷۰، ۸۰ و ۹۰) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

روش‌شناسی تحقیق: آمار و اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از داده‌های سرشماری‌های اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ موجود در آرشیو مرکز آمار ایران استخراج و تجزیه و تحلیل شدند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده‌ی مورد مطالعه استان خوزستان است که در جنوب ایران قرار دارد.

یافته‌ها و بحث: با توجه به نتایج، جمعیت و تعداد خانوار عشایر استان خوزستان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است. بیش‌ترین تعداد دام عشایر استان بز و بزغاله و تعداد دام در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی بوده است. بیشترین تعداد خانوار عشایر استان خوزستان از هیزم و زغال چوب به‌عنوان سوخت مصرفی جهت پخت و پز و ایجاد گرما استفاده کرده‌اند و میزان مصرف سوخت عشایر در انواع مختلف سوخت مصرفی طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است. میزان صنایع دستی تولید شده توسط عشایر از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است. بطورخاص، میزان تولید پلاس (چادر) در بین خانوارهای عشایر نسبت به سایر صنایع دستی بیشتر بوده است.

نتایج: توسعه فعالیت‌های زراعی، توسعه سایر صنایع دستی و سایر فعالیت‌های غیروابسته به دام می‌توانند به عنوان منابع معیشت جایگزین و تکمیلی نقش مهمی ایفا کنند که در این راستا برنامه‌ریزی‌های متناسب ضروری است.

کلیدواژه‌ها: عشایر، صنایع دستی، دام، مسائل اقتصادی - اجتماعی، خوزستان.

مقدمه

جامعه عشایری به عنوان یکی از بخش‌های سه‌گانه جمعیتی کشور ایران به رسمیت شناخته شده است. عشایر به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی و معیشتی، شیوه زندگی مبتنی بر کوچ و وابستگی به دامداری را دنبال می‌کنند و از دو جامعه روستایی و شهری متمایز می‌شود. عشایر گروهی از اجتماع انسانی می‌باشند که ساختار ایلی قدرتمند، سرزمین واحد و هویتی مشخص دارند (عاشقی، ۱۳۸۴). تحلیل برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور نشان می‌دهد با وجود توانایی‌های جامعه عشایری، در راستای هماهنگی با وضعیت جمعیتی، توانمندی‌ها و نیازمندی‌های این جامعه برنامه‌های جامعی تدوین و اجرا شده است. براین اساس، با توجه به اینکه بسیاری از شاخص‌های توسعه و دسترسی به خدمات این جامعه در مقایسه با جامعه شهری و روستایی تفاوت عمده‌ای وجود دارند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صیدائی، ۱۳۸۹)، ضروری است توجه ویژه‌ای به برنامه ریزی برای این بخش از جمعیت کشور صورت گیرد. ایران سرزمینی است که زندگی کوچ‌نشین و دامداری سنتی در آن قدمت دیرینه داشته و دام مولفه اصلی معیشت عشایر و دامداران بوده است (Blench, 2005). در حال حاضر، علاوه بر اینکه عشایر بزرگترین تولیدکننده دام در کشور هستند به دلیل استفاده از منابع تجدیدشونده کمترین بار اقتصادی را نسبت به سایر بخش‌های تولیدی بر دولت تحمیل می‌کنند، لذا بی‌توجهی به این قشر تلاشگر، ضربه‌ای بزرگ به دامداری و منابع طبیعی تجدیدشونده کشور وارد خواهد آورد. در راستای اهمیت به بخش دام به عنوان تامین کننده پروتئین و لبنیات کشور و تولیدات سالم و پاک توجه به تولیدکنندگان این بخش که همان عشایر و دامداران می‌باشند حیاتی است.

اساس زندگی عشایر کوچ‌نشین و مبتنی بر دامداری است. علاوه بر این، به فعالیت‌های دیگری چون زراعت، ساخت صنایع دستی و فعالیت‌های فرعی که در راستای حمایت و تقویت دامداری به عنوان شغل اصلی آنهاست اشتغال دارند (شکور و همکاران، ۱۳۹۵). زراعت و باغداری در زندگی عشایر به عنوان منبع معیشت تکمیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. صنایع دستی در ایران نماد حیات اقتصاد خانواده است و امروزه به عنوان جلوه‌ای از تولیدات غیرنفتی مورد توجه قرار گرفته است. صنایع دستی به عنوان یک هنر-صنعت که ریشه در آداب، رسوم و سنت‌های مردم ایران زمین دارد همواره طی قرون متمادی برای اکثریت مردم و بطور خاص روستاییان و عشایر منبع اشتغال و درآمدزایی و از نظر اقتصادی اهمیت ویژه‌ای داشته است. توسعه صنایع خرد و متوسط و به دنبال آن صنعتی‌شدن از راهکارهای عملیاتی برای توسعه روستایی و عشایری به رسمیت شناخته شده است. از طریق ایجاد و توسعه کارگاه‌های کوچک و توسعه تعاونی‌های محلی می‌توان زمینه ورود صنایع کوچک در اقتصاد محلی را فراهم کرد. تولیدات مختلف از محلی تا خرد، متوسط و صنعتی با تاکید و توجه به بهبود کیفیت و تاثیر بر میزان تولید کل اثر مستقیمی بر درآمد ناخالص ملی دارد. در این میان، برخی از صنایع دستی عشایر همچون سیاه‌چادر، ریسمان و سایر منسوجات صرفاً جنبه خودمصرفی دارند. علاوه بر این، برخی تولیدات و مواد اولیه همچون پشم، کرک در صورت تبدیل به صنایع فرش، گلیم، جاجیم، گبه (و غیره)، ضمن ایجاد ارزش افزوده و تاثیر بر درآمدزایی و اشتغالزایی، در صورت صادرات، در تولید ناخالص و درآمد ناخالص ملی و در نهایت رشد اقتصادی کشور اثر می‌گذارند. بطوریکه مطالعات زیادی توجه به آن را برای جلوگیری از تخلیه جمعیتی و مهاجرت موثر دانسته‌اند (امین آقایی، ۱۳۸۷؛ نصیری، ۱۳۸۷؛ صالحی و همکاران، ۱۳۸۹؛ نوری و همکاران، ۱۳۸۹).

عشایر اغلب منابع مالی کافی برای تأمین منابع انرژی‌های فسیلی همانند نفت سفید و گاز مایع را ندارند و اگر داشته باشند دسترسی به آن‌ها دشوار یا غیرممکن است. به طوری که بخش اعظمی از جمعیت وابسته به دام و منابع طبیعی در دنیا از چوب سوخت به عنوان تنها منبع انرژی استفاده می‌کنند (Rotowa et al., 2019; اسحاقی و محمودی، ۱۳۹۸). در راستای توجه به این موضوع، مطالعات متعددی به این مهم پرداخته‌اند. از جمله در مطالعه اخیر اسحاقی و محمودی (۱۳۹۸) تاکید کرده‌اند چوب هیزمی (سوخت) یکی از اصلی‌ترین تولیدات جنگل برای روستاییان به خصوص در کشورهای درحال توسعه می‌باشد. جمع‌آوری این منبع سوخت یکی از فعالیت‌های معیشتی در جوامع روستائین مجاور جنگلهاست بطوریکه از عوامل تخریب جنگل در این کشورها تهیه هیزم قلمداد شده است. در این میان، از بیش از ۱/۶ میلیارد نفر در دنیا که به انحنای مختلف برای تأمین معیشت وابسته به منابع جنگلی می‌باشند ۶۰ میلیون نفر از اجتماعات بومی و ساکن در جنگل‌ها اغلب نیازهای خود به خصوص سوخت را از این منابع تأمین می‌کنند (اسحاقی و محمودی، ۱۳۹۸).

Annamoradnejad (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی تغییرات جمعیتی جوامع عشایری در ایران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ پرداختند. نتایج نشان داد زندگی عشایری به دلیل آب و هوای خشک و نیمه خشک کشور یکی از عمده‌ترین سبک‌های زندگی در ایران بوده است. در حال حاضر، اگرچه نقش اقتصادی آن به عنوان تأمین کننده عمده لبنیات و پروتئین بسیار مؤثر است، اما موقعیت اجتماعی و سیاسی آن به دلیل

نفوذ در روند نوسازی در همه ابعاد تضعیف شده است. در طول قرن گذشته، جمعیت عشایری در ساختار جمعیتی کشور برجسته بود و بخش زیادی از کل جمعیت را تشکیل می‌داد، با این وجود، تا سال ۱۳۸۶ نسبت جمعیت به کل کشور به درصد به ۱/۷ کاهش یافت. شکور و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل توسعه پایدار در مناطق عشایری در استان فارس پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از ضعف اقتصادی بهره‌برداری عشایری، بحران مدیریت و تخریب ناشی از چرای مفرط، افزایش هزینه‌های تعلیف دستی دام، نگرشی منفی به روند زندگی آتی عشایر، عدم حمایت کافی از بیمه عشایر توسط دولت، نبود بازار مشخص خرید و فروش دام، مهاجرت فصلی جوانان عشایر به شهرها برای تأمین هزینه‌های زندگی به دلیل ناکافی بودن درآمد بوده است. علاوه بر این، جامعه عشایر مورد مطالعه تحت نظام ایلی توان پتانسیل خود را به دلیل محدودیت‌های جمعیتی (اکولوژیکی) اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تا حدودی از دست داده بودند و اقتصاد آنها از ضعف بنیانی برخوردار بود (شکور و همکاران، ۱۳۹۵). در این راستا، ترسیم چشم انداز آینده و ارایه برنامه میان‌مدت و بلند مدت برای جامعه در توسعه جامعه عشایری کشور را از موارد ضروری قلمداد شده است. طرفی منیشدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای نقش ساختار محیطی کشور بر فعالیت‌های عشایری در استان خوزستان را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد جمعیت عشایر در دوره بیلاقی و قشلاقی به ترتیب ۱۲/۲ و ۱۹/۹ درصد نسبت به دوره‌های قبل کاهش یافته است.

Otieno و Cheruiyot (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر پروژه تولید شیر در بین دامداران کوچک مقیاس در شهرستان ساب شرقی، بومت و کنیا پرداختند. نتایج نشان دادند چالش‌های فراوری مدیریت واحدهای سنتی عدم تعادل جنسیتی در مدیریت دامداری (حدود ۹۹ درصد مرد و بیش تر از ۶۰ سال)، سطح پایین تحصیلات که دریافت کمک‌های ترویجی و انتقال اطلاعات از کارشناسان و متخصصان را با مشکل مواجه می‌سازد. علاوه بر این، به دلیل نبود مراکز اصلاح‌نژاد، جفت‌گیری به صورت طبیعی می‌باشند. میخک و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌های فراوری مدیریت واحدهای دامداری سنتی در شهرستان خرم آباد پرداختند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، چالش‌های مدیریتی فراوری واحدهای دامداری سنتی به ترتیب اهمیت به دسترسی کم به غذای دام (۱)، تأمین اعتبارات و مشکلات قیمتی (۲)، کاهش کمی و کیفی نیروی انسانی (۳)، تکنولوژی پایین دامداری سنتی (۴)، تغییر سبک زندگی تولیدکنندگان (۵)، مشکلات آموزشی - ترویجی (۶)، ضعف در بازاریابی (۷)، پشتیبانی ناکافی (۸) و خدمات ضعیف دامپزشکی (۹) دسته‌بندی کردند که در مجموع توانستند ۷۱/۴۸ درصد از واریانس کل را تبیین نمایند.

دریکوندی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت چهار بعد سن و جنسیت، زراعت و باغداری، صنایع دستی و دامداری عشایر استان لرستان در سه دهه ۶۶، ۸۷، ۸۸ پرداختند. روش جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است و با استفاده از داده‌های سرشماری مرکز ایران بود. در دو دوره بیلاقی و قشلاقی وضعیت را مورد تحلیل قرار دادند. خدروی غریب‌وند و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری پرداختند. آنها گزارش دادند حدود ۷۸/۳۹ درصد از دامداران در سه نوع نظام تولید دام یا دامداری معادل ۷۱۸۲۳۶ خانوار، کمتر از ۵۰ واحد دامی دارند. سهم دامداران کوچنده؛ نیمه کوچنده و ساکن به ترتیب حدود ۴/۵۷، ۳۳/۲۶ و ۴۰/۵۶ درصد و تعداد کل خانوارهای دامدار با کمتر از ۵۰ واحد دامی در دامداری نیمه‌کوچنده و ساکن بیشتر از دامداران عشایر کوچنده گزارش شد. این بدان معناست که اگر معیشت‌های مکمل تأمین نشود، از آنجاییکه تحرک و به دنبال آن تنوع زیستی محدود می‌شود، ممکن است بیش از همه دامداران عشایر مورد تهدید قرار گیرند. تنها ۰/۱۳ درصد خانوارهای دامدار عشایر کوچنده دارای بیش از ۵۰۰ رأس دام گزارش شدند؛ حتی اگر ۲۰۰ رأس دام به عنوان اندازه اقتصادی برای تأمین معیشت خانوارها در نظر گرفته شود، تنها ۱/۳۳ درصد از نظام‌های تولید دام از نظر معیشت دامداری پایدار هستند. در این راستا، تاکید شد مدیریت پایدار مراتع در صورتی تحقق خواهد یافت که ضمن حفظ تعادل دام، مرتع و انسان تنوعی از معیشت به منظور توسعه معیشت‌های تکمیلی بهره‌برداران، در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مورد توجه قرار گیرد.

استان خوزستان دارای بیش از ۱۴۰ هزار نفر عشایر کوچنده می‌باشد که تغییرات آب و هوایی و مهمتر از همه کاهش بارندگی، بروز پدیده‌ی خشکسالی و از بین رفتن مراتع میان‌بند موجب از هم‌پاشیدگی جامعه عشایری و کاهش جمعیت عشایری آن شده است (طرفی منیشدی، ۱۳۹۶). این استان با تنوع آب‌وهوایی و جغرافیایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین استان‌های عشایری است. قلمرو قشلاقی عشایر استان خوزستان شامل منطقه وسیعی از نواحی کوهستانی جلگه‌ای خوزستان می‌باشد. قلمرو بیلاقی عشایر درون کوچ آن بطور عمده در ارتفاعات منگشت و کوه سفید رود قرار دارد و قلمرو بیلاقی برون کوچ استان نیز استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس می‌باشند. این مطالعه در نظر دارد تغییرات جمعیت، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، صنایع دستی و اراضی مورد بهره‌برداری عشایر را در استان خوزستان در سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش پژوهش

این مطالعه تغییرات برخی مسائل اجتماعی-اقتصادی استان خوزستان در سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در این تحقیق آمار و اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از اطلاعات سرشماری‌های اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ موجود در آرشیو مرکز آمار ایران استخراج و استفاده شده است. برای توصیف متغیرها از آمار توصیفی استفاده شده است. آمار توصیفی، بخشی از آمار است که در برگزیده مرتب کردن یا خلاصه‌سازی داده‌ها است. برای مرتب کردن از جداول یا اشکال استفاده می‌شود و برای خلاصه‌سازی از شاخص‌های آماری همچون میانگین، واریانس یا انحراف معیار (و غیره) استفاده می‌شود. در واقع این روش ابزارهایی را برای تشریح مشاهدات آماری جمع‌آوری شده و کاهش اطلاعات به شکل قابل فهم فراهم می‌سازد. به منظور درک بهتر و دسته‌بندی و خلاصه‌سازی اطلاعات، تجزیه و تحلیل دقیق و شناخت عوامل موثر، در نهایت با توجه به هدف و ماهیت اطلاعات و داده‌ها از ارائه نتایج بصورت خلاصه‌سازی و مرتب کردن در قالب جداول و اشکال مناسب استفاده شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده‌ی مورد مطالعه شامل استان خوزستان است که در جنوب ایران قرار دارد. موقعیت جغرافیایی استان خوزستان بین ۳۰ تا ۳۳ درجه عرض شمالی و ۴۷ تا ۵۰ درجه طول شرقی واقع شده است. این استان با مساحتی حدود ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسیع‌ترین استان در قسمت نیمه غربی ایران است. این استان در جنوب غربی ایران و شمال خلیج فارس واقع شده و از غرب با کشور عراق هم‌مرز است. مرکز آن شهر اهواز است و استان‌های بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، لرستان و ایلام در همسایگی آن قرار دارند.

یافته‌ها و بحث

بر اساس نتایج، از تحلیل وضعیت جمعیتی و تعداد خانوار عشایر استان خوزستان در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) که در جدول ۱ ارائه شده است، جمعیت عشایر از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشت. طبق نتایج، جمعیت عشایری استان در محل استقرار بیلاقی همواره بیشتر از جمعیت عشایر در محل استقرار قشلاقی می‌باشد. جمعیت عشایر استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، ۲۶/۱۰ درصد کاهش داشت. علاوه بر این، جمعیت عشایر استان در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، کاهش ۲/۹۸ درصد داشت. نتایج نشان‌دهنده کاهش ۲۲/۴۵ درصدی جمعیت عشایر این استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۷۷ می‌باشد.

طبق نتایج، تعداد خانوار عشایر استان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشت و تعداد خانوار عشایری استان در هر سه بازه زمانی مورد بررسی، در محل استقرار قشلاقی بیشتر از محل استقرار بیلاقی می‌باشد. تعداد کل خانوار عشایر استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، ۱۵/۲۴ درصد کاهش داشته است. علاوه بر این، تعداد کل خانوار عشایر استان در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، کاهش ۴/۳۲ درصد داشته است. همچنین نتایج نشان‌دهنده کاهش ۱۰/۴۷ درصدی تعداد کل خانوار عشایر استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۷۷ می‌باشد.

تغییرات تعداد دام عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی عشایر استان بر حسب نوع دام در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل ۱ ارائه شده است. طبق نتایج، بیشترین تعداد دام عشایر استان از نوع بز و بزغاله بوده است. علاوه بر این، تعداد دام عشایر این استان در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی بوده است.

جدول ۱. تغییرات تعداد خانوار و جمعیت عشایر کوچنده استان خوزستان در تیرماه سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

دوره استقرار	تعداد خانوار			جمعیت		
	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۷	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۷
جدول بیلاقی	۲۱۰۴۵	۱۹۵۶۱	۱۴۶۵۷	۴۰۵۲۳	۴۳۸۹۴	۳۸۵۷۳
قشلاقی	۶۶۲۳	۷۹۳۱	۶۰۳۲	۱۸۴۸۸۵	۱۷۴۹۹۳	۳۶۰۲۵
کل	۳۴۳۲۸	۳۲۹۰۶	۲۹۷۸۷	۲۲۵۴۰۸	۲۱۸۸۸۷	۱۷۸۷۵۲
درصد تغییرات (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷)	-۴/۳۲			-۲/۹۸		
درصد تغییرات (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷)		-۱۰/۴۷			-۲۲/۴۵	
درصد تغییرات (۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷)			-۱۵/۲۴			-۲۶/۱۰

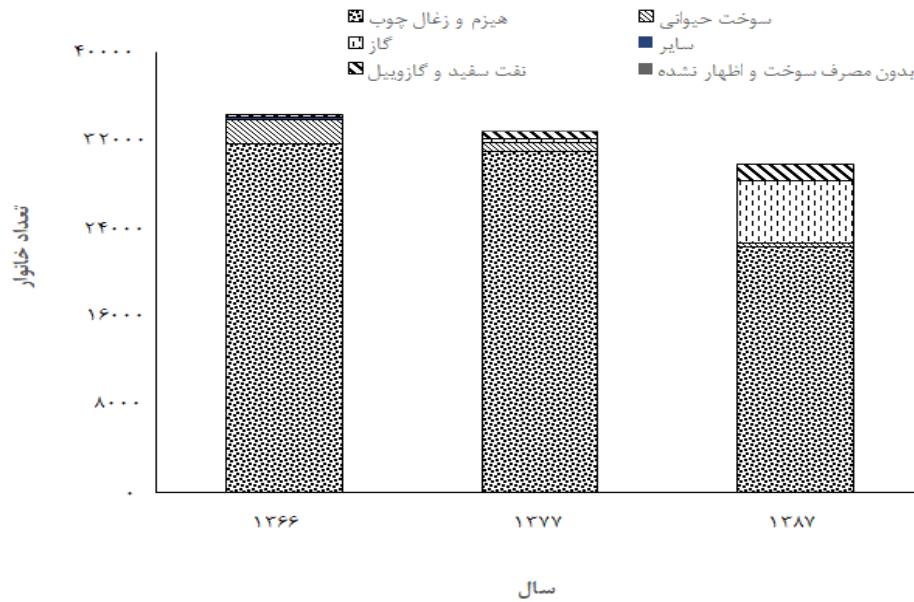


شکل ۱. نمودار تغییرات تعداد و نوع دام عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان خوزستان در دوره‌های زمانی مورد بررسی

نتایج بررسی تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۲ و ۳ ارائه شده است. طبق نتایج، بیشترین تعداد خانوار عشایر استان از هیزم و زغال چوب به‌عنوان سوخت مصرفی جهت پخت و پز و ایجاد گرما استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که میزان سوخت مصرفی عشایر استان در محل استقرار قشلاقی بیشتر از محل استقرار بیلاقی می‌باشد و میزان مصرف سوخت عشایر استان خوزستان در انواع مختلف سوخت مصرفی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است.

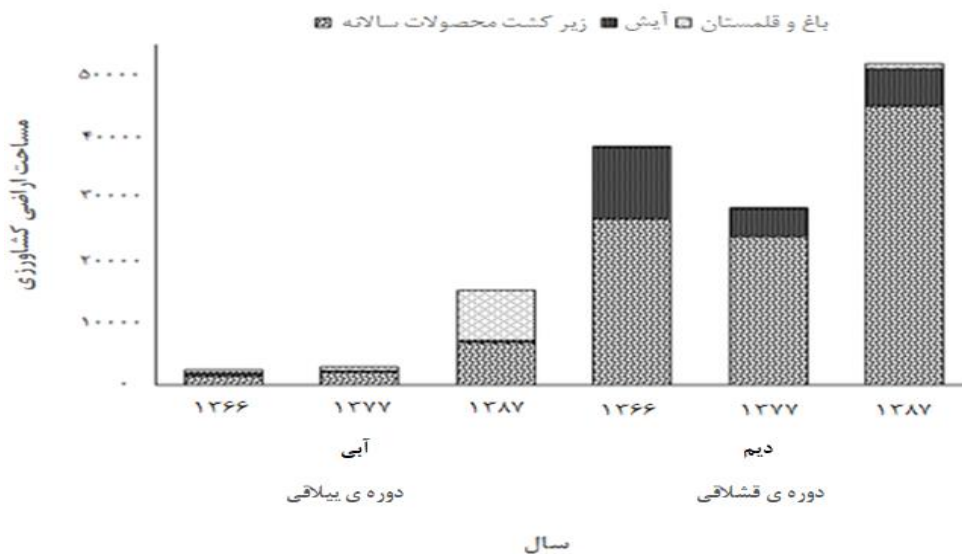


شکل ۲. نمودار تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان خوزستان

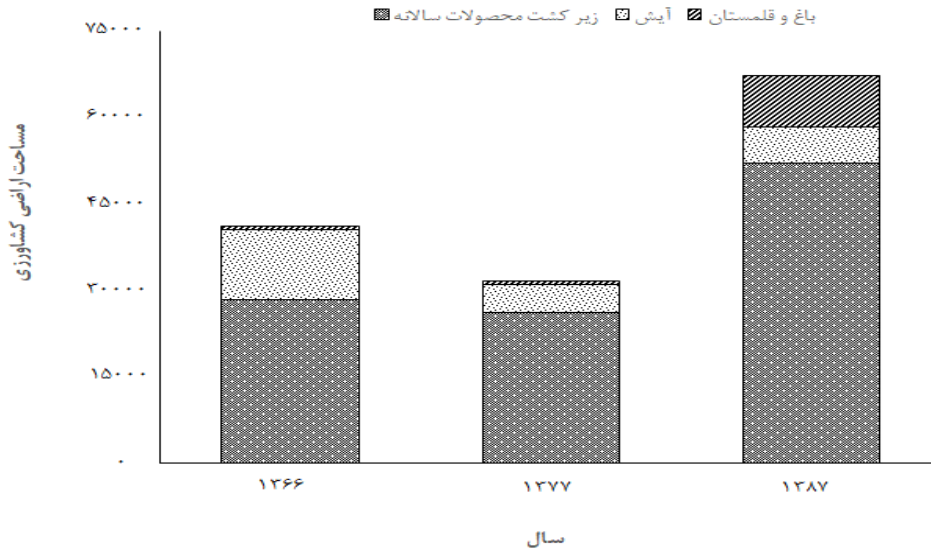


شکل ۳. نمودار تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر استان خوزستان

نتایج تغییرات مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی استان برحسب نوع استفاده از زمین در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۴ و ۵ ارائه شده است. طبق نتایج، اراضی تحت کشت سالانه دارای بیشترین سطح مورد استفاده خانوارهای عشایر استان نسبت به سایر انواع استفاده از زمین می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد میزان مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر استان در محل استقرار قشلاقی بیشتر از محل استقرار بیلاقی می‌باشد و میزان مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان بر حسب نوع استفاده از زمین از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است.

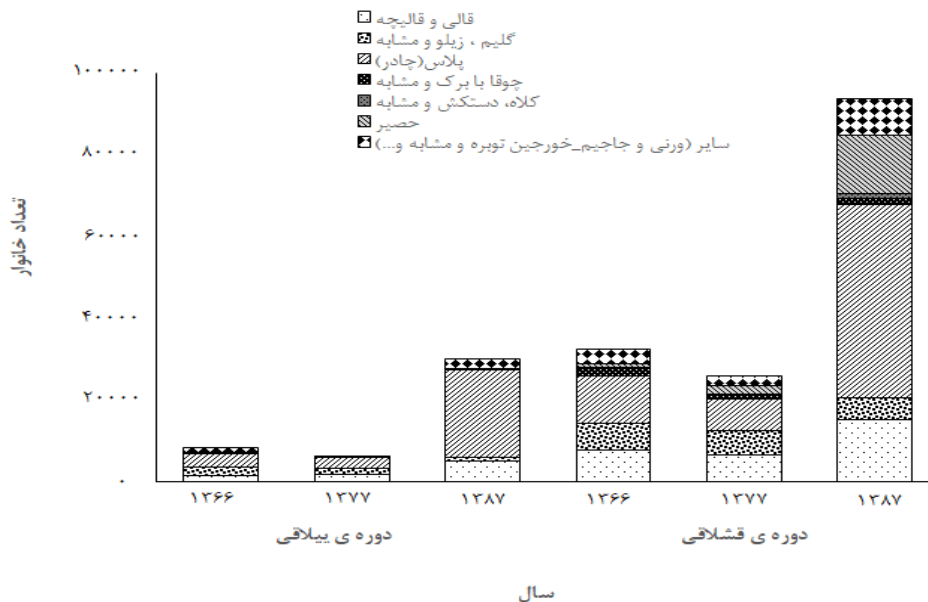


شکل ۴. نمودار تغییرات تعداد خانوار بر حسب مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی استان خوزستان بر حسب نوع استفاده از زمین

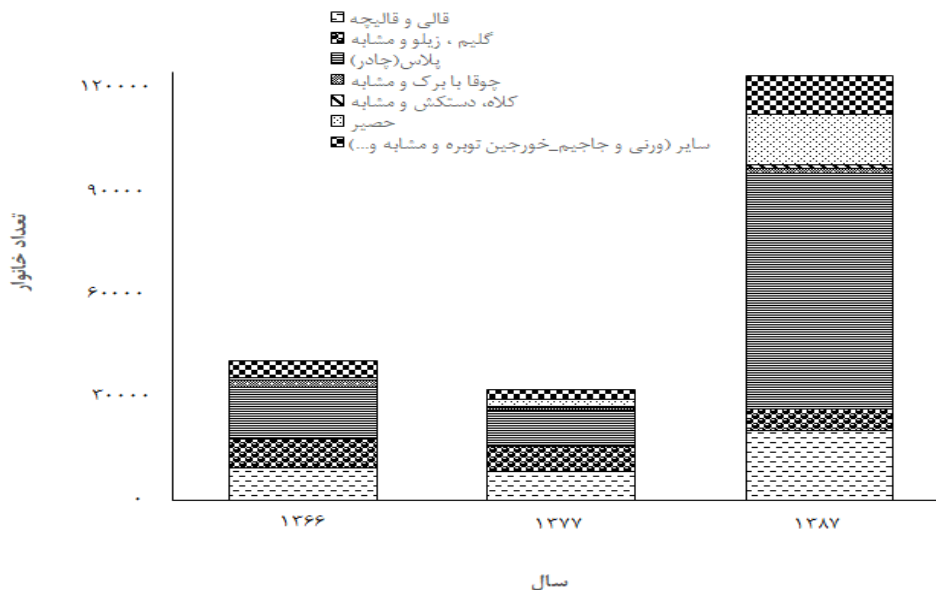


شکل ۵. نمودار تغییرات تعداد خانوار برحسب مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر استان خوزستان بر حسب نوع استفاده از زمین

نتایج نمودار تغییرات خانوارهای عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان، دارای هر یک از انواع صنایع دستی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۶ و ۷ ارائه شده است. طبق نتایج، پلاس (چادر) دارای بیشترین میزان تولید در بین خانوارهای عشایر استان نسبت به سایر صنایع دستی تولید شده می‌باشد. علاوه براین؛ نتایج نشان می‌دهد که میزان تولید انواع مختلف صنایع دستی عشایر استان در محل استقرار قشلاقی بیشتر از محل استقرار بیلاقی می‌باشد و میزان صنایع دستی تولیدی توسط عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان خوزستان از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است.



شکل ۶. نمودار تغییرات خانوارهای عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان خوزستان، دارای هر یک از انواع صنایع دستی



شکل ۷. نمودار تغییرات خانوارهای عشایر استان خوزستان، دارای هر یک از انواع صنایع دستی

نتیجه‌گیری

اخیرا توسعه روستایی و عشایری به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های محققان و دست‌اندرکاران اجرایی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این امر با هماهنگی سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات امکان‌پذیر است. در این راستا، تدوین سیاست‌ها در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مستلزم شناخت کافی از وضعیت اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران روستایی و عشایری است. علاوه بر این، توسعه و رشد اقتصادی منوط به رشد و پیشرفت بخش کشاورزی از جمله زیربخش امور دام است که زیربنای توسعه سایر بخش‌های می‌باشد که با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور و منابع داخلی فراوان و قابل استفاده ارزش زیادی دارد.

جامعه عشایری از نظر فعالیت‌های تولیدی و دامداری در اقتصاد کشور دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای است. عشایر ایران به دلیل محدودیت نیازهای خانوار، تلاش می‌کنند تا کلیه مایحتاج خویش را با بهره‌گیری از نیروی انسانی و مواد اولیه تولیدی خود فراهم سازند. اقتصاد عشایر یکی از مهمترین جنبه‌های زندگی آن‌هاست و با توجه به روند کاهشی جمعیت این بخش، تولیدات پروتئینی و محصولات لبنی و صنایع دستی حاصل از فرآورده‌های دامی و تولید شده بوسیله این قشر از جامعه کاهش می‌یابند. به دلیل اینکه صنایع دستی عشایر از انواع صنایع دستی کاربردی می‌باشد، آن چیزی که امروزه به عنوان خطری جدی برای این نوع هنرهای سنتی محسوب می‌شود عدم کاربرد مناسب آن‌ها در زندگی روزمره، بازاریابی و فرهنگ سازی برای توجه به این بخش از صنایع و میراث فرهنگی می‌باشد (میرزایی، ۱۳۹۳) که در این راستا، مطالعه تغییرات جمعیتی و تعداد دام و صنایع دستی عشایری ضروری می‌نماید. از آنجایی که عشایر همواره با خطرات طبیعی همچون سیل، خشکسالی و نظایر این‌ها مواجهند و از سوخت‌های طبیعی و غیر طبیعی جهت تولیدات خود استفاده می‌کنند و با توجه به عوامل پیش‌بینی نشده، ریسک‌پذیری آنان در حد بالایی است لذا شناسایی و ارزیابی سوخت‌های مصرفی تا حدی می‌تواند این مخاطره را کاهش دهد.

با توجه به جدول ۱ استدلال می‌شود جمعیت و خانوارهای عشایر استان خوزستان در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است که این روند کاهشی می‌تواند به دلیل تغییرات آب‌وهوای، نبود امکانات رفاهی، بروز پدیده خشکسالی، اسکان اجباری، ورود تکنولوژی‌های نوین و لزوم مواجهه متناسب با شرایط و تغییرات فرهنگی و به دنبال آن تغییرات معیشتی باشد. با توجه به جدول ۱ استدلال می‌شود که جمعیت و تعداد خانوار عشایر استان خوزستان در بازه زمانی مورد مطالعه در محل استقرار قشلاقی بیشتر از محل استقرار بیلاقی می‌باشد که با توجه به گرمسیری بودن استان خوزستان منطقی است که بخش اعظم ایلات در محدوده‌ی قشلاق قرار استقرار یافته‌اند باشند و در اصل قشلاق خوزستان غالب است.

با توجه به شکل ۱ استدلال می‌شود تعداد دام عشایر در استان خوزستان در دو دوره‌ی بیلاقی و قشلاقی به طور کلی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است که این روند کاهشی می‌تواند به دلیل کاهش جمعیت و خانوار و کاهش سرانه زمین و مرتع، کاهش کیفیت علوفه در طی سال‌های مورد بررسی باشد. همچنین استدلال می‌شود که در استان در دو دوره بیلاقی و قشلاقی در طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ یک روند افزایشی در تعداد و نوع دام عشایر مشاهده می‌شود که علت آن می‌تواند توسعه اسکان عشایر و به دنبال آن مهاجرت معکوس برای توسعه‌ی شهرک‌های عشایر باشد، حال به دلیل افزایش جمعیت در این استان تعداد دام نیز به تناسب افزایش پیدا کرده است.

با توجه به شکل ۱ استدلال می‌شود که در استان در دو دوره‌ی بیلاقی و قشلاقی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) تعداد دام از نوع بز و بزغاله بیشتر از دیگر احشام مورد بررسی می‌باشد. این افزایش تعداد بز می‌تواند به دلیل استفاده آن از گیاهان غیرمرغوب و خشبی، تقاضای زیاد برای محصولات پروتئینی و علاقمندی مردم به نگهداری نژادهای جدید بز می‌باشد. با توجه به شکل ۲ استدلال می‌شود که در استان در دو دوره بیلاقی و قشلاقی در دهه ۷۰ تعداد دام از نوع گوسفند و بره بیشتر است که این افزایش می‌تواند به این دلیل باشد که در طی این دهه اسکان عشایر صورت گرفته است و سبب تغییر شیوه دامداری از عشایری به یکجانشینی شده است و تمایل عشایر به نگهداری این نوع دام بیشتر شده است. از دلایل تغییر در تعداد و نوع دام کاهش گیاهان مرغوب جنگلی، افزایش هزینه نگهداری دام، عدم امکان تغذیه دام کوچک در اطراف روستا، تغییر شیوه شخم‌زنی، تغییر شیوه دامداری از عشایری به یکجانشینی، فروش جهت تأمین هزینه‌ی مسکن برای یکجانشینی، تمایل روستائیان به نگهداری دام سنگین به دلیل پر بازده بودن، مرگ و میر ناشی از امراض، خشکسالی و محدودیت منابع ارضی که اغلب به نوعی مرتبط با سکونت و یکجانشینی است در روند حذف و کاهش دام‌ها ذکر شده است (امیدزاده اردلی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به شکل ۲ استدلال می‌شود سوخت هیزم و زغال چوب در خانوارهای استان در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) بیشتر از سایر سوخت‌های ذکر شده است؛ به این دلیل که سهل الوصول‌ترین منبع تولید انرژی (گرمایش) قابل دسترس بشر می‌باشد که خانوارهای عشایری بدون پرداخت وجهی مورد استفاده و بهره برداری قرار می‌دهند. با توجه به شکل ۳ استدلال می‌شود که سوخت مصرفی از جمله هیزم و زغال چوب خانوارها در استان در محل استقرار قشلاقی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ کاهش پیدا کرده است؛ از آنجایی که قشلاق خوزستان محل سکونت عشایر این استان است استفاده از هیزم کاهش یافته است و عشایر از سوخت‌های فسیلی از جمله (نفت و گاز) به علت کم حجم بودن در مقایسه با سوخت‌های نباتی و صرفه‌جویی در نیروی انسانی که غالباً صرف جمع‌آوری و حمل و نقل هیزم و بوته‌های جنگلی می‌شود استفاده می‌کنند. در دوره بیلاقی این استان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ سوخت مصرفی از جمله هیزم و زغال چوب خانوار افزایش محسوسی داشته است می‌تواند به این دلیل باشد که بیلاقی عشایر خوزستان در ارتفاعات کوه‌های منگشت و کوه سفیدرود و همچنین استان‌های چهارمحال و بختیاری و فارس می‌باشد و امکان استقرار دائم آن‌ها در مناطق ذکر شده نیست لذا کمبود سوخت و امکانات سوخت‌رسانی و پایین بودن سطح تکنولوژی برای استفاده از سوخت‌های فسیلی، عشایر را به سوی مصرف سوخت‌هایی از قبیل هیزم و بوته هدایت کرده است.

شرایط زندگی عشایری به نحوی است که امکان استقرار دائم آنها در یکجا میسر نیست به همین دلیل استفاده از سوخت‌های جایگزین از جمله فسیلی اعم از نفت و گاز را سخت می‌کند. با این حال شیوه زندگی عشایر به شکلی است که آنها را وادار کرده است از امکانات محیط پیرامون خود برای تأمین انرژی استفاده نمایند (بزرگ پور، ۱۳۷۸)، به همین لحاظ استقرار تکنولوژی انرژی‌های نو اعم از انرژی خورشیدی به عنوان منبع ارزان و در دسترس و با توجه به معیشت غالب دامداری استفاده از انرژی‌های بیوگاز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. رحیمی و پارخی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل نقش جایگزینی سوخت فسیلی در رفاه نسبی زنان عشایر کشور پرداختند. نتایج نشان دادند حدود ۶۶ درصد جمعیت عشایری کشور از هیزم به عنوان سوخت اصلی استفاده می‌نمایند. علاوه بر این نشان دادند هر خانوار عشایری روزانه به ۱۰۵ کیلوگرم گاز مایع و ۸ لیتر نفت سفید به عنوان سوخت اصلی خانگی نیازمندند. این مقدار با قیمت مناسب در محل جایگاه‌های مواد نفتی در محل اطراق‌های عشایری، در اختیارشان گذاشته شده است. با این وضع جایگزینی سوخت فسیلی، نه تنها مشکلات افراد خانوار به خصوص زنان و دختران و کودکان عشایری که جمع‌آوری‌کننده هیزم برای خانوار می‌باشد را کاهش داده و دسترسی خانوارهای روستایی محروم و دورافتاده از سوخت فسیلی را تسهیل نموده است بلکه هزینه‌های این جایگزینی از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز در مقابل هزینه‌های حفاظت و احیای جنگل‌ها و مراتع ناچیز است.

با توجه به شکل ۴ استدلال می‌شود در استان خوزستان در سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) مساحت اراضی کشاورزی آبی کمتر از مساحت اراضی دیم می‌باشد که علت آن کمبود منابع آب در این استان باشد. با توجه به شکل ۵ استدلال می‌شود که در استان مساحت اراضی آبی و

دیم از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند افزایشی پیدا کرده است که می‌تواند به دلیل ضرورت رفع نیازهای عشایر باشد. با توجه به شکل ۵ استدلال می‌شود که مساحت اراضی تحت کشت محصولات سالانه بیشتر از سایر اراضی ذکر شده است و علت آن می‌تواند نیاز بیشتر عشایر برای تعلیف دام‌هایشان باشد.

با توجه به شکل ۶ استدلال می‌شود که در استان خوزستان در دو دوره‌ی بیلاقی و قشلاقی در طی سه دهه مورد بررسی، تعداد پلاس و کلاه و دستکش بیشتر از سایر صنایع دستی گزارش شده است. می‌توان استدلال کرد نیاز عشایر در زندگی روزمره به این فرآورده‌ها بیشتر از سایر فرآورده‌ها باشد و تولید این فرآورده‌ها جنبه‌ی خود مصرفی برای عشایر دارد. نواب اکبر و همکاران (۱۳۷۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر کمیت و کیفیت تولید صنایع دستی زنان عشایر نیمه‌اسکان‌یافته مرند پرداختند و اظهار داشتند صنایع دستی یکی از سازوکارهای اقتصادی به شمار می‌آید. برای تولید این صنایع از منابع داخلی استفاده می‌شود که منابعی مانند نیروی کار، مواد اولیه و ابزار کار ۸۰ درصد تولید را فراهم می‌کنند. تولید صنایع دستی اثر مستقیمی بر درآمد ناخالص ملی دارد و هرگونه افزایش در میزان تولید و بهبود کیفیت، در افزایش آن تاثیر می‌گذارد.

با توجه به شکل ۷ استدلال می‌شود که صنایع دستی از جمله پلاس (چادر)، قالی و قالیچه و گلیم در استان در دهه‌های مورد بررسی بیشتر از سایر صنایع دستی ذکر شده می‌باشد. علت آن می‌تواند مهارت بیشتر، آسانتر و راحت‌تر بودن، داشتن بازار خوب و مشتری و درآمد بهتر باشد. نواب اکبر و همکاران (۱۳۷۹) استدلال کردند تولید صنایع دستی بویژه گلیم‌بافی در منطقه مورد تحقیق تأثیر معنی‌داری بر بخش‌های درآمد، هزینه و ارزش افزوده دارد. به دیگر سخن، می‌توان گفت با وجودی که تولید صنایع دستی هزینه‌های چندانی برای تولیدکننده ندارد، بیشترین و گرانترین عامل در این فرآیند، نیروی کار به شمار می‌آید که باعث ایجاد ارزش افزوده می‌شود. تولید گلیم اثر معنی‌داری بر درآمد ناخالص سالانه خانوار داشته است. علاوه بر این، گلیم‌بافی دارای رابطه معنی‌داری با مجموع کل درآمدهاست و بر مجموع کل هزینه‌ها و ارزش افزوده نیز اثر دارد. گلیم‌بافی بر میزان درآمد حاصل از صنایع دستی اثر مستقیمی دارد و بر درآمد خالص سالانه به دست آمده از صنایع دستی نیز موثر است.

اصولاً اقتصاد خانوار عشایری و اشتغال بر اساس دامداری، اندکی کشاورزی و صنایع دستی استوار است. دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی بوجود آمده در کشور و نیز نفوذ جوامع شهری و روستایی در این جامعه، منابع در اختیار عشایر را تغییر داده است و مصارف این جامعه را نیز متاثر ساخته است. در این تحقیق تغییرات جمعیتی، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، اراضی زراعی مورد بهره‌برداری و صنایع دستی طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) مورد مقایسه قرار گرفت. با توجه به مطالعه‌ی انجام شده در طی دهه‌های مورد بررسی می‌توان نتیجه گرفت جمعیت و تعداد خانوارهای عشایری و سوخت مصرفی عشایر روند کاهشی داشته است و صنایع دستی و اراضی زراعی مورد بهره‌برداری به طور کلی روند افزایشی داشته است.

در نهایت پیشنهاد سیاستگذاری و اجرایی اینکه، با روند ورود تکنولوژی، تغییر فرهنگ و لزوم تغییر معیشتی و از همه مهمتر با توجه به اهمیت تنوع زیستی گیاهی که حضور دام و دامداری را الزامی می‌کند و از طرف دیگر اهمیت تنوع‌زیستی انسانی و فرهنگی، همچون سایر مطالعات مرتبط در این زمینه که حفظ و ارتقای تنوع گیاهی، انسانی، فرهنگی و معیشتی را توصیه کرده‌اند این مطالعه پیشنهاد می‌کند در مناطقی که زمینه حضور عشایر فراهم است و خود نیز مایل به ادامه این شیوه معیشتی هستند امکانات، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در راستای حفظ این معیشت جهت‌گیری شود. علاوه بر این، در جایی که نه شرایط منطقه‌ای مناسب است و جمعیت عشایر نیز چندان تمایلی به تداوم چنین شیوه معیشتی ندارند امکانات، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در راستای توسعه معیشت‌های جایگزین و تغییر معیشت سوق داده شود. پیشنهاد مطالعاتی اینکه علاوه بر بررسی تغییرات جمعیتی، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، مساحت اراضی مورد بهره‌برداری و صنایع دستی، سایر مولفه‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله تغییرات سنی، سطح سواد، شغل اصلی، وضع زناشویی و تسهیلات در اختیار خانوار نیز برای استان خوزستان و سایر استان‌های کشور در طی دهه‌های گذشته مورد بررسی قرار گیرد. باتوجه به اینکه، مطالعه حاضر، قبل از استخراج و ارایه داده‌های دهه ۹۰ صورت گرفته است پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده این دهه را نیز مورد ارزیابی قرار دهند.

منابع

اسحاقی، فاطمه و محمودی، بیت اله. (۱۳۹۸). ارزیابی تقاضای مصرف چوب هیزیمی خانوارهای جنگل‌نشین زاگرس مرکزی، بررسی موردی: ناحیه عرفی سردشت، شهرستان لردگان. فصلنامه علمی پژوهش و توسعه جنگل. ۵(۴)، ۶۱۳-۱۲۷.

- امیدزاده اردلی، الهام؛ خدری غریب‌وند، حجت‌اله؛ طهماسبی، پژمان و ابراهیمی، عطاء‌اله. (۱۳۹۱). حفاظت تنوع زیستی با حمایت از دامداری چوپانی. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار (کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست). تالار بزرگ وزارت کشور، تهران، ایران.
- امین آقایی مهرناز. (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. *فصلنامه روستا و توسعه*. ۱۱(۴)، ۱۲۵-۱۴۶.
- بزرگ پور، عیسی. (۱۳۷۸). کارشناس سازمان امور عشایر، گزارش تفصیلی "طرح جایگزین سوخت فسیلی" دوره بیست ساله ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۷.
- دریکوندی، مهناز. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت سن و جنسیت، زراعت و باغداری، صنایع دستی و دامداری عشایر استان لرستان در سه دهه ۶۶، ۸۷ و ۸۸ سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی، مرکز مطالعات و تحقیقات علوم و فنون بنیادین در جامعه، تهران، ایران.
- رحیمی، احمد و پارخی، پرویز. (۱۳۸۳). تحلیلی بر نقش جایگزینی سوخت فسیلی در رفاه نسبی زنان عشایر کشور، همایش ملی ساماندهی جامعه عشایری ایران، تهران.
- خدری غریب‌وند، حجت‌اله؛ طهماسبی کهیانی، پژمان؛ قهساره اردستانی، الهام؛ بدری پور، حسین و اسدی، اسماعیل. (۱۴۰۱). تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری، بافت، استان چهارمحال و بختیاری (بخش دوم). *مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان*، ۲(۱)، ۱-۱۲.
- شکور، علی؛ شمس الدینی، علی؛ حیدری، اعظم و واحدپور، غلامحسین. (۱۳۹۵). ضرورت توسعه پایدار در مناطق عشایری استان فارس. *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*. ۸(۳)، ۲۰۳-۲۱۴.
- صالحی، اصغر؛ سیف الهی، محمود و شهابی، سیامک. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی عوامل اقتصادی موثر بر بهره‌برداری از صنایع روستایی در استان اصفهان. *فصلنامه روستا و توسعه*. ۱۳(۳)، ۱۴۷-۱۷۱.
- صیدائی، سید اسکندر. (۱۳۸۹). بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشار و ارثه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب). *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۹(۹۷)، ۱۳۹-۱۶۶.
- طرفی منبشیدی، حسین. (۱۳۹۶). نقش ساختار محیطی کشور بر فعالیت های عشایری با تأکید بر دام (محدوده مورد مطالعه: استان خوزستان). *چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی*، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، سالن همایش‌های فرهنگیان شیراز، ایران.
- عاشقی، منصور. (۱۳۸۴). نگرشی پیرامون وضعیت عشایر و نقش و جایگاه آن‌ها در ایجاد هویت ملی و امنیت ملی. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیج*، ۵(۵)، ۱۵۱-۱۷۰.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان و قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۸۶). روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۰(۱)، ۴۱-۶۱.
- میخک، حسین؛ رحیمیان، مهدی و اسدپوریان، زینب. (۱۳۹۷). چالش‌های فراروی مدیریت واحدهای دامداری سنتی در شهرستان خرم‌آباد. *فصلنامه علمی رویکردهای پژوهشی کارآفرینانه در کشاورزی*، دانشگاه علوم و منابع طبیعی خوزستان، ۴(۴)، ۹۱-۱۱۲.
- میرزایی، زینب. (۱۳۹۳). *عوامل موثر بر کارآفرینی فرهنگی در صنایع دستی عشایری استان لرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده. دانشکده گردشگری دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
- میرصادقی، محمدعلی. (۱۳۷۶). رویارویی با مشکل انرژی در روستاهای کشور، جنگل و مرتع، ۳۷(۳)، ۵۴-۵۷.
- نصیری، اسماعیل. (۱۳۸۷). صنایع روستایی عاملی تاثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی (نمونه: روستاهای بومهن). *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی*. ۱(۵)، ۱۳۹-۱۶۱.
- نواب اکبر، فیروزه؛ منفرد، نوذر و علیرضا رضائی. (۱۳۷۹). عوامل موثر بر کمیت و کیفیت تولید صنایع دستی مطالعه موردی: زنان عشایر نیمه اسکان یافته مردافزر. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۷(۳۱)، ۲۳۵-۲۶۰.
- نورزاد مقدم، محسن؛ شامخی، تقی؛ اعتماد، وحید و عواطفی همت، محمد. (۱۳۹۳). بررسی مصرف هیزم خانوارهای روستایی در مناطق جنگلی بیلاقی شمال ایران و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ی موردی روستاهای بیلاقی ارتفاعات جنوبی جنگل آموزشی - پژوهشی خیرود). *مجله جنگل ایران، انجمن جنگلبانی ایران*، ۶(۱)، ۱۱۳-۱۲۵.
- نوری، سیده‌هدایت‌اله؛ بیک محمدی، حسن، تقدیسی، احمد و شفییعی، پروین. (۱۳۸۹). اولویت‌بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی. *فصلنامه روستا و توسعه*. ۱۳(۲)، ۶۱-۷۹.
- Amacher. G.S., Hyde. W.F. and Kanel. K.R., (1999). Nepali fuelwood production and consumption: Regional and household distinctions, substitution and successful intervention, *The Journal of Development Studies*, 35(4), 138-163.
- Annoradnejad. R. and Lotfi. S. (2010). Demographic Changes of Nomadic Communities in Iran (1956- 2008), *Asian Population Studies* 6(3), 335-345.

- Blench. Roger., (2005). Conservation of indigenous livestock: Sustaining biodiversity for current and future generations, *Consultative Group on International Agricultural Research Science Forum, CGIAR System Research Priority area 1: Marrakech*, 6th December 2005.
- Cheruiyot, M.k. and Otieno, M.M.M. (2017). Factors Influencing Milk Production Project Among Small Scale Dairy Farmers in Bomet East Sub County, Bomet County, Kenya. *International Journal of Latest Research in Engineering and Technology (IJLRET)*. 3(9), 1-23.
- Dovie, D.K. Witkowski, E.T.F. and C. Shackleton, (2004). The Fuelwood Crisis in southern Africa: Relating Fuelwood Use to Livelihoods in a Rural Village. *Geo Journal*, 60(2), 123-133.
- Rotowa, O.J. Egbwole, Z.T. Adeagbo, A.A. and O.M. Blessing, (2019). Effect of Indiscriminate Charcoal Production on Nigeria Forest Estate. *International Journal of Environmental Protection and Policy*, 7(6): 134-139.
- Schwarzbauer, P. and Stern, T. (2010). Energy vs. material, Economic impacts of a "wood for energy scenario" on the forest-based sector in Austria: A simulation approach. *Forest Policy and Economics*, 12(1): 31-38.
- Troncoso, K. Castillo, A. Masera, O. and L. Merino, (2007). Social perceptions about a technological innovation for fuelwood cooking: Case study in rural Mexico. *Energy Policy*, 35(5), 2799-2810.

How to Cite:

Keybandori Nashalil, Masoumeh, Yarali, Nabiollah, Kahyani, Saleh, Ebrahimi, Ataollah and Khedrigharibvand, Hojatollah. (2022). Analysis of changes in socioeconomic indicators of nomads (Case study: tribes of Khuzestan Province). *Studies of Nomads Area Plannig*, 2(2), 41-52.

ارجاع به این مقاله:

کی باندوری ناشلیل، معصومه، یارعلی، نبی‌اله، کهیانی، صالح، ابراهیمی، عطاله و خدیری‌غریبوند، حجت‌اله. (۱۴۰۱). واکاوی و تحلیل تغییرات مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر استان خوزستان. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲(۲)، ۴۱-۵۲.



Research Article

Analysis of changes in socioeconomic indicators of nomads (Case study: tribes of Khuzestan Province)

Masoumeh Keybandori Nashalil - M.Sc Graduated of Forest Sciences, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Nabiollah Yarali - Associate Professor, Department of Forest Sciences, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Saleh Kahyani* - Assistant Professor, Department of Forest Sciences, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Ataollah Ebrahimi - Associate Professor, Department of Nature Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Hojatollah Khedrigharibvand - Assistant Professor, Department of Nature Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Receive Date: 11 August 2022

Accept Date: 18 October 2022

ABSTRACT

Introduction: Policy formulation in agriculture and natural resources requires a sufficient understanding of the socioeconomic status of rural and nomadic beneficiaries. Meanwhile, regarding the country's economic growth, the nomadic community has particular importance in livestock production and related side activities.

Purpose of the research: In this research, some socioeconomic issues such as population, number and population of livestock, fuel consumption, handicrafts and lands were used to analyze the tribes of Khuzestan Province during the last three decades (60, 70 and 80).

Methodology: Statistics and information required by the library method from socioeconomic censuses of the nomadic tribes in 1366, 1377 and 1387 in the archives of the Iranian Statistical Center were analyzed.

Geographical area of research: The studied area includes Khuzestan Province, which is located in the south of Iran.

Results and discussion: According to the results, the population and the number of nomadic families in Khuzestan Province decreased from 1366 to 1387. The results showed that most of the nomadic livestock were goats. The number of livestock nomads is higher in summer highland pastures than in winter pastures. The results also showed that most Khuzestan tribal households use firewood and charcoal for cooking and heat generation, and the fuel consumption of the Khuzestan tribes in different types of fuel consumption decreased from 1366 to 1387. The number of handicrafts produced by nomads increased from 1377 to 1387 and decreased from 1366 to 1377. In particular, the Pelas (tent) production among nomadic households has been higher than other handicrafts.

Conclusion: Developing agricultural activities, other handicrafts and other non-livestock activities can play an important role as sources of alternative and supplementary livelihoods, in which appropriate planning is necessary.

KEYWORDS: Nomads, Handicrafts, Livestock, Social-Economic Issues, Khuzestan.